

بررسی رابطه بین کسری بودجه دولت و تراز تجاری در ایران در چارچوب یک الگوی اقتصادسنجی کلان ساختاری پویا

سید امیر عظیمی^۱

محمد نوفرستی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۳۰

چکیده

در این مقاله برای یافتن پاسخ مناسبی به این سؤال که رابطه بین کسری بودجه دولت و تراز تجاری در ایران چیست؟، یک الگوی اقتصادسنجی کلان ساختاری تنظیم شده است. سپس مخارج مصرفی دولت از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ سالانه به میزان ۲۰ درصد افزایش پیدا کرد تا بدین طریق کسری بودجه دولت نسبت به روند مبنا افزایش یابد و در نهایت در ۴ گزینه مختلف نحوه تأمین کسری بودجه ایجاد شده و اثر آن بر تراز تجاری را مورد بررسی قرار دادیم.

نتیجه این شد که در اثر اعمال یک سیاست مالی انبساطی در تمام گزینه‌ها، کسری بودجه دولت افزایش می‌یابد که اگر این کسری بودجه از طریق استقراض از بانک مرکزی تأمین شود (گزینه اول)، موجب افزایش پایه پولی و در نتیجه، موجب بدتر شدن تراز تجاری و تراز تجاری غیرنفتی نسبت به حالت مبنا می‌شود. حال اگر این کسری بودجه از طریق فروش اوراق مشارکت به مردم تأمین شود (گزینه دوم)، موجب کاهش تقاضای کل و موجب بهتر شدن تراز تجاری و تراز تجاری غیرنفتی نسبت به حالت مبنا می‌شود. اگر به همان میزان که هزینه‌ها افزایش یافته، مالیات‌های مستقیم نیز افزایش یابد (گزینه سوم)، مصرف خصوصی کاهش و موجب بدتر شدن تراز تجاری و تراز تجاری غیرنفتی نسبت به روند مبنا می‌شود. و در نهایت اینکه اگر کسری بودجه ایجاد شده از طریق برداشت از حساب ذخیره ارزی تأمین شود، درآمدهای ریالی و دلاری حاصل از فروش نفت افزایش می‌یابد و در نتیجه، موجب بهبود تراز تجاری و بدتر شدن تراز تجاری غیرنفتی نسبت به روند مبنا می‌شود.

واژگان کلیدی: کسری بودجه دولت، تراز تجاری، الگوی اقتصادسنجی کلان ساختاری، شبیه‌سازی پویا.

طبقه بندی JEL: E27, E62, F17, H68

ecoamir@gmail.com

m-nofaresti@sbu.ac.ir

۱. کارشناس ارشد علوم اقتصادی دانشگاه شهید بهشتی

۲. دانشیار دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

موضوع کسری بودجه و کسری تراز تجاری (کسری‌های همزاد^۱) از دهه ۱۹۵۰ در ادبیات اقتصادی مطرح شده است. این دوره‌ای است که در ایالات متحده، کسری بودجه و کسری حساب جاری به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت. ظهور این پدیده، برخی از اقتصاددانان را بر آن داشته است تا برخلاف کینز که بخش عمومی را برقرارکننده توازن می‌داند، از آن به عنوان عامل ایجادکننده عدم توازن‌های کلان اقتصادی، در برخی کشورها یاد کنند، چرا که در این‌گونه کشورها، مشکلات خاصی همچون بدهی‌های خارجی، تورم‌های بسیار بالا، مشکلات تراز پرداخت‌ها، وجود بازارهای موازی ارز و وقوع شوک‌های مختلف خارجی وجود دارد.

در ادبیات اقتصادی، سه دیدگاه نظری عمده "نئوکلاسیک، کینزی و ریکاردویی"^۲ در رابطه با آثار کسری‌های بودجه بر سایر متغیرهای کلان اقتصادی مانند: مصرف، سرمایه‌گذاری، پس‌انداز، نرخ بهره، نرخ ارز، و کسری بخش تجارت خارجی شکل گرفته است. این سه دیدگاه نظری از بعد فروض و نتایج با یکدیگر اختلاف‌نظرهایی دارند. در دیدگاه نئوکلاسیک، وجود کسری‌های بودجه عاملی مضر برای اقتصاد شمرده می‌شود؛ به گونه‌ای که به سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی آسیب می‌رساند. در مقابل، کسری‌های بودجه در دیدگاه کینزی نه تنها ضرورتاً صدمه‌ای بر عملکرد اقتصاد وارد نمی‌سازد بلکه در شرایطی حتی به سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی مدد می‌رساند. البته هر دو دیدگاه درباره نحوه تأثیر و نتیجه نهایی کسری‌های بودجه بر نرخ ارز و کسری‌های بخش تجارت خارجی با یکدیگر وحدت نظر دارند. دیدگاه سوم که از آن به عنوان نظریه برابری ریکاردویی یاد می‌شود و مبنایی برای مقایسه شمرده می‌شود، وجود هر گونه تأثیر از سوی کسری‌های بودجه دولت بر متغیرهای مصرف و سرمایه‌گذاری در بخش داخلی و نرخ ارز و کسری حساب جاری در بخش خارجی را نفی می‌کند (Bernheim, B. Douglas 1990).

در اقتصاد ایران در سالهایی که نسبت کسری بودجه دولت به تولید ناخالص داخلی افزایش یافته، بر میزان نسبت کسری تجاری به تولید ناخالص داخلی نیز افزوده شده است. در نتیجه، پیش‌بینی می‌کنیم که این متغیرها با یکدیگر ارتباط مستقیم دارند. بر این اساس، مطالعه حاضر این فرضیه که افزایش کسری بودجه در اقتصاد ایران موجب بدتر شدن تراز تجاری می‌شود را بررسی می‌کند.

-
1. Twin Deficits
 2. Neoclassical, Keynesian and Ricardian

سابقه تحقیق

در بررسی ادبیات هر موضوع، یکی از مواردی که به فهم دقیق موضوع و آشنایی با آن موضوع کمک می‌کند بررسی مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته قبلی مرتبط با آن است. به همین منظور، در اینجا به مروری بر مطالعات قبلی انجام شده در خصوص رابطه بین کسری بودجه دولت و تراز تجاری می‌پردازیم.

جدول ۱. مروری بر مطالعات انجام شده در رابطه بین کسری بودجه دولت و تراز تجاری

محقق یا محققان	سال	جامعه آماری	دوره مورد بررسی	روش آماری تحقیق
کراگوئل و سامارو	۱۹۹۷	باربادوس، ترینیداد و توباگو	۱۹۶۷-۱۹۹۱	Pooling
در کشور ترینیداد و توباگو (غیر نفتی)، متغیرهای نرخ ارز، مازاد بودجه دولتی و درآمدهای خارجی جزء متغیرهای توضیحی مهم (با معنی داری بالا) می‌باشند، درحالی‌که برای کشور باربادوس (نفتی) متغیرهای رابطه مبادله و مازاد بودجه نسبت به تولید ناخالص داخلی (متغیر دولتی) در بلندمدت جزء متغیرهای اثرگذار بر تراز حساب جاری محسوب می‌شوند. نتیجه: مازاد بودجه دولتی نسبت به تولید ناخالص داخلی (متغیر دولتی)، تأثیر مثبت بر تراز تجاری دارد.				
Festus O.Egwaikhide	۱۹۹۹	نیجریه	۹۴-۱۹۸۱	الگوی اقتصادسنجی کلان
معادلات صادرات، واردات، قیمت، درآمدهای دولت، سرمایه‌گذاری خصوصی و دولتی را به کار گرفته و در نهایت، مدارک و شواهد شبیه‌سازی سیاستی نشان می‌دهد که کسری بودجه ناشی از افزایش مخارج دولت صرف نظر از اینکه تأمین مالی از طریق افزایش حجم پول بوده یا استقراض خارجی، اثرات منفی بر توازن تجارت دارد. نتیجه: کسری بودجه موجب بدتر شدن توازن حساب جاری در نیجریه می‌شود.				
هاشم‌زاده و ویلسون	۲۰۰۶	کشورهای منتخب	۲۰۰۵-۱۹۸۰	VAR
رابطه بین دو کسری با توجه به تغییراتی که به سیستم مالیاتی، الگوی تجارت، نرخ ارز و نیروهای بین‌المللی و داخلی وابسته است، بستگی دارد. نتیجه: همبستگی بین دو کسری، پیچیده و مبهم است.				
چادهاری و صالح	۲۰۰۷	سریلانکا	۲۰۰۵-۱۹۷۰	ARDL
رابطه بلندمدت و کوتاه‌مدت میان کسری حساب جاری، کسری بودجه، شکاف سرمایه‌گذاری و پس‌انداز و آزادی تجاری را آزمون کردند. آزادی تجاری را در نظر گرفتن اثر ترکیبی نرخ ارز و نرخ بهره منظور کردند. نتیجه: دیدگاه کینزی درباره رابطه بین کسری تجاری و کسری بودجه تأیید می‌شود.				
مؤمنی و صالحیان	۱۳۷۴	۱۳۷۳-۱۳۴۲	سیستم معادلات همزمان	
با استفاده از معادلات واردات، صادرات، معادله مخارج کل، معادله پایه پولی، معادله تولید ناخالص داخلی، معادله حساب جاری و معادله عرضه پول و استفاده از روش 2SLS به تخمین معادلات پرداخته است. نتیجه: بین کسری بودجه دولت و کسری حساب جاری رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.				
مهرآرا و مرادی	۱۳۸۷	۲۰۰۴-۱۹۷۵	پانل مبتنی بر روش تعمیم‌یافته گشتاورها (GMM)	
به بررسی اثر کسری بودجه، نرخ ارز واقعی و رابطه مبادله بر کسری حساب جاری پرداخته‌اند. کسری‌های مالی، حتی پس از کنترل درآمدهای نفتی، مهمترین عامل تعیین‌کننده کسری حساب جاری است. رابطه مبادله (پس از کنترل درآمدهای نفتی) ارتباط ضعیف و معکوسی با کسری حساب جاری دارد. نتیجه: فرضیه خنثی بودن ریکاردویی را در مورد کشورهای عضو اوپک رد می‌کند.				
صفدری و پورشهبانی	۱۳۸۸	۱۳۸۶-۱۳۴۵	ARDL و علیت گرنجر	
دو متغیر کسری بودجه و تراز تجاری را در نظر می‌گیرند. نتیجه: رابطه علیت از کسری بودجه دولت به کسری تجاری است و کاهش کسری بودجه منجر به کاهش کسری تجاری می‌شود.				
فرح‌بخش و فرزین‌وش	۱۳۸۸	۲۰۰۶-۱۹۸۵	اثرات ثابت و حداقل مربعات معمولی	
به بررسی رابطه کسری بودجه بر متغیرهای بخش داخلی (مصرف بخش خصوصی و رشد اقتصادی) و متغیر بخش خارجی (کسری حساب جاری)، با استفاده از دو دیدگاه برابری ریکاردویی و کینزین می‌پردازند. بررسی این موضوع برای کشورهای مختلف (۷۰ کشور) که بر اساس شاخص توسعه جهانی به سه گروه کشورهای با درآمد بالا، متوسط و پایین طبقه‌بندی شده‌اند، انجام گرفته است. نتیجه: در کشورهای با درآمد بالا، دیدگاه ریکاردویی و در کشورهای با درآمد متوسط و پایین، دیدگاه کینزی برقرار است.				

با مرور مطالعات خارجی انجام شده در این زمینه برای کشورهای مختلف و مقایسه آنها با مطالعات داخلی، فقدان مطالعه در این زمینه در ایران، نویسندگان این مقاله را بر آن داشت که با بهره‌گیری از یک الگوی اقتصادسنجی کلان ساختاری، پدیده کسری‌های همزاد را با این مدل کاربردی برای اقتصاد ایران آزمون کنیم. در این مدل، علاوه بر بررسی اثر نحوه تأمین کسری بودجه بر تراز تجاری، این امکان نیز فراهم می‌باشد که اثر کسری بودجه دولت را بر سایر متغیرهای عمده اقتصاد کلان نیز بررسی کنیم. همچنین بررسی مطالعات گذشته به تعیین متغیرهای مدل کمک شایانی می‌کند.

ساختار الگوی اقتصادسنجی کلان تنظیم شده

ساختار الگوی اقتصادسنجی کلان پیش رو، به گونه‌ای تنظیم شده است که نه تنها آثار کوتاه‌مدت و بلندمدت اثر تأمین مالی کسری بودجه بر تراز تجاری را ارائه می‌کند بلکه زمینه‌ای برای تحلیل ساختار و ارائه پیش‌بینی‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت متغیرهای عمده اقتصادی فراهم می‌آورد. در این تحقیق، سعی شده است تا الگویی با شرایط اقتصاد کشور تنظیم گردد که بتواند مکانیسم اثرگذاری کسری بودجه دولت را بر متغیرهای عمده اقتصاد کلان از جمله تراز تجاری به روشنی نشان دهد.

الگوی ساختاری دو دسته معادله مرتبط با هم دارد: یکی، روابط تعادلی بلندمدت را معلوم می‌کند و دیگری پویایی کوتاه‌مدت متغیرهای الگو به سمت تعادل بلندمدت را نشان می‌دهد. این دو دسته روابط، امکان تحلیل‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت را فراهم می‌سازند. الگوی تنظیمی شامل ۹ جفت معادله رفتاری، ۱۳ معادله ارتباطی و ۴۹ رابطه تعریفی و اتحادی است. عمده‌ترین معادلات تصریح شده در الگو عبارتند از: مخارج مصرفی بخش خصوصی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، صادرات غیرنفتی، واردات، تابع تولید، تقاضای پول به تفکیک اجزای آن و سطح عمومی قیمت‌ها. مخارج مصرفی بخش خصوصی را تابعی از درآمد قابل تصرف، ثروت بخش خصوصی و نرخ تورم به عنوان هزینه فرصت در نظر گرفته‌ایم.

در تابع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، بر اساس اصل شتاب انعطاف‌پذیر، عمده‌ترین عامل تعیین‌کننده سطح مطلوب انباشت سرمایه، تولید است، همچنین سرمایه‌گذاری بخش دولتی عمدتاً زیربنا و زمینه‌ساز سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بوده و متغیر دیگر، نرخ سود بانکی است که هزینه فرصت سرمایه‌گذاری به حساب می‌آید، واردات نیز متغیر دیگری است، با این رویکرد که هر چه میزان واردات افزایش یابد، میزان کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای وارداتی برای انجام سرمایه‌گذاری، بهتر و بیشتر می‌گردد. متغیر تأثیرگذار دیگر، نرخ استفاده از ظرفیت تولیدی است، زیرا ظرفیت مازاد، نشان‌دهنده حدی است که بنگاه‌های تولیدی نتوانسته‌اند از ظرفیت عوامل تولیدی خویش استفاده کنند. از این رو نرخ استفاده از ظرفیت تولیدی، اطلاعات ارزشمندی است که توسط سرمایه‌گذاران مورد توجه قرار

گرفته، به طوری که هر چه نرخ استفاده از ظرفیت تولیدی بالاتر باشد، سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری بیشتر تلاش می‌کنند.

عرضه صادرات غیرنفتی، تابعی از تولید ناخالص داخلی به حساب آمده و برای در نظر گرفتن نسبت قیمت‌های خارجی به داخلی و همچنین در نظر گرفتن تحولات بازار ارز، نرخ ارز مؤثر حقیقی صادراتی در تبیین رقابت‌پذیری اقتصاد منظور شده است.

تقاضای واردات در این الگو همانند توابع تقاضای معمول، تابعی از درآمد در نظر گرفته شده است. همچنین نرخ ارز مؤثر حقیقی وارداتی نیز از دیگر متغیرهای تأثیرگذار بر واردات است. از دیگر عوامل تعیین‌کننده تقاضا برای واردات، درآمدهای ارزی است که در این الگو از صادرات نفت و گاز دلاری به جای درآمدهای ارزی استفاده شده است و به عنوان یک قید مالی در پرداخت‌های بین‌المللی، مقدار واردات را متاثر می‌کند.

با اتکای به مبانی نظری تولید، می‌توان فرض کرد که تولید کل می‌تواند توسط یک تابع با دو عامل نیروی کار و انباشت سرمایه، نمایش داده شود. بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی پیشنهاد می‌کنند که وجود شاخصی برای نشان دادن نرخ استفاده از ظرفیت تولیدی K در تابع تولید ضروری بوده و در این مطالعه شاخصی برای نشان دادن میزان استفاده از ظرفیت تولیدی K تحت نام UK ارائه شده است.

تفاوت بین عرضه کل و تقاضای کل که تغییر در موجودی انبار را تشکیل می‌دهد، جهت و میزان حرکت سطح عمومی قیمت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از سوی دیگر، سطح عمومی قیمت‌های داخلی تحت تأثیر قیمت کالاهای وارداتی است. متغیر تعیین‌کننده دیگر در سطح عمومی قیمت‌ها، عرضه اسمی پول (حجم نقدینگی) است که به عنوان ابزار مهم سیاست‌گذاری پولی بانک مرکزی به منظور کنترل تورم می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. علاوه بر این متغیرها، تحولات متغیر نرخ ارز بازار آزاد در اقتصاد ایران، از طریق تأثیر بر انتظارات تورمی عاملان اقتصادی، در تشکیل قیمت‌ها نقش داشته است.

عموم توابع تقاضای پول که به صورت تجربی مورد برآورد قرار گرفته‌اند، معمولاً شامل دو نوع متغیر توضیحی بوده‌اند. یک نوع متغیری است که جنبه درآمدی داشته و می‌تواند به عنوان نماینده‌ای از حجم مبادلات انجام شده تلقی شود و دیگری، متغیری که بتواند به گونه‌ای انعکاس‌دهنده هزینه فرصت پول در چارچوب ساختار موجود باشد. در مورد متغیری که بتواند نماینده حجم مبادلات باشد، معمولاً از تولید ناخالص داخلی یا ملی استفاده می‌شود. در این الگو برای این منظور از متغیر تولید ناخالص داخلی بدون نفت استفاده شده است. در رابطه با هزینه فرصت پول، بسیاری از مطالعات تجربی تابع تقاضا برای پول، به نوعی از نرخ‌های بهره و بعضاً تورم (خرید کالاها در شرایط تورمی و

ایمن‌سازی در برابر کاهش قدرت خرید پول) استفاده کرده‌اند. در این الگو از نرخ سود سپرده‌ها و نرخ تورم به عنوان هزینه فرصت پول استفاده شده است.

در یک اقتصاد باز، تقاضا برای پول علاوه بر متغیرهای معمول، به نرخ ارز نیز وابسته است، اما جهت اثرگذاری نرخ ارز بر تقاضای پول چندان روشن نیست. در این خصوص شواهد تجربی متناقض است. اهمیت وابستگی تقاضا برای پول به نرخ برابری ارز از آن جهت است که این امر میزان اثربخشی سیاست‌های اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

آزمون اعتبار الگو به کمک شبیه‌سازی پویا

شبیه‌سازی الگوی پویای تدوین شده این امکان را فراهم می‌آورد تا از یک سو، ملاک و معیاری برای محک زدن و سنجش اعتبار الگو فراهم آید و از سوی دیگر، بتوان پس از اعمال یک سیاست اقتصادی خاص در الگو، آثار و پیامدهای آن را بر اقتصاد ایران مشاهده نمود. در شبیه‌سازی پویا، متغیرهای درونزا و وقفه‌های آن‌ها در درون سیستم تولید می‌شوند؛ ضمن اینکه شبیه‌سازی پویا، آزمون بسیار سختی برای ارزیابی اعتبار یک الگوی اقتصادسنجی کلان است. یک قدم اولیه برای سنجش میزان نزدیکی مقادیر شبیه‌سازی شده با مقادیر واقعی متغیرهای درونزا می‌تواند مشاهده نمودار مربوط به مقادیر شبیه‌سازی شده و مقادیر واقعی متغیرهای عمده یک الگوی اقتصادسنجی کلان باشد. اما لازم است که این نمودارها را با شاخص‌های کمی دقیقی همراه کرد. همچنین شاخص‌های آماری زیر به طور معمول برای تشخیص میزان نزدیکی مقادیر شبیه‌سازی شده با مقادیر واقعی آن متغیر مورد استفاده قرار می‌گیرد:

شاخص جذر میانگین مجذور خطای نسبی:

$$\text{RMSPE} = \sqrt{\frac{1}{T} \sum \left(\frac{A_t - P_t}{A_t} * 100 \right)^2}$$

شاخص ضریب نابرابری یا آماره U تایل:

$$U = \frac{\sqrt{\sum (A_t - P_t)^2}}{\sqrt{\sum A_t^2}}$$

که در روابط بالا، A_t مقادیر واقعی متغیر درونزا، P_t مقادیر شبیه‌سازی شده متغیر درونزا و T تعداد مشاهدات می‌باشد. به منظور ارائه ملاکی کمی از چگونگی خوبی برازش مقادیر شبیه‌سازی شده توسط الگو، شاخص‌های جذر میانگین مجذور خطای نسبی (RMSPE) و شاخص نابرابری تایل (U) برای متغیرهای مورد بحث محاسبه، و در جدول زیر گزارش شده است.

جدول ۲. نتایج سنجش کمی اعتبار الگو

U	RMSPE	نام متغیر	U	RMSPE	نام متغیر
۰,۰۵۸	۱۰,۱۳	TTJ (کل درآمدهای مالیاتی دولت)	۰,۰۴۸	۶,۴۳	CO (مصرف بخش خصوصی)
۰,۰۳۱	۴,۳۰	GRJ (کل درآمدهای دولت)	۰,۱۱۱	۱۴,۹۰	IP (مخارج سرمایه‌گذاری بخش خصوصی)
۰,۰۳۴	۱۰,۲۰	GJ (مخارج مصرفی دولت)	۰,۰۷۰	۲۵,۵۱	XNO\$ (صادرات غیرنفتی دلاری)
۰,۰۵۹	۱۲,۲۹	IGJ (مخارج سرمایه‌گذاری دولت)	۰,۰۱۱	۲,۵۳	X\$ (صادرات کل دلاری)
۰,۰۵۱	۷,۷۷	AD (تقاضای کل)	۰,۰۷۴	۹,۸۲	M\$ (واردات)
۰,۰۹۱	۱۱,۷۱	M2J (نقدینگی)	۰,۰۳۱	۳,۷۱	GDP (تولید ناخالص داخلی)
			۰,۰۲۹	۱۲,۱۴	PGDP (سطح عمومی قیمت-ها)

مأخذ) محاسبات تحقیق

ارزیابی آثار سیاست مالی دولت به کمک شبیه‌سازی الگو

با توجه به نتایج بسیار خوبی که از شبیه‌سازی پویای الگو در کل دوره مورد بررسی به‌دست آمد و اعتبار الگو را به تأیید رسانید، این امکان را می‌دهد تا اثر سیاست مالی دولت و نحوه تأمین مالی کسری بودجه را بر تراز تجاری مورد بررسی قرار دهیم که برای مشاهده آثار اجرای سیاست مالی، تغییری در متغیر ابزار سیاست‌گذاری داده شده است و سپس نتایج حاصل از شبیه‌سازی پویای الگو در محدوده موردنظر با شبیه‌سازی پویایی که بدون تغییر در متغیر ابزار سیاست‌گذاری به‌دست آمده (شبیه‌سازی مبنا) مقایسه شده است. انحراف نسبی مقادیر شبیه‌سازی شده از مقادیر شبیه‌سازی شده مبنا را می‌توان بیانگر اثر اعمال سیاست اقتصادی مورد نظر دانست. با توجه به این فرض که الگوی تدوین شده نشان‌دهنده ساختار واقعی اقتصاد ایران است، شبیه‌سازی‌های انجام شده روشن خواهد ساخت که چگونه اقتصاد ایران به تغییرات در سیاست مالی واکنش نشان خواهد داد. اکنون وقت آن رسیده است تا به کمک الگو، آثار اجرای سیاست‌های مالی را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

افزایش مخارج مصرفی دولت

از سال ۱۳۸۰ تا ۸۹ مخارج مصرفی دولت سالانه ۲۰ درصد افزایش می‌یابد و کسری بودجه ایجاد شده از طریق چهار گزینه زیر تأمین مالی می‌گردد:

گزینه اول- استقراض از بانک مرکزی؛

گزینه دوم- فروش اوراق مشارکت به مردم؛

گزینه سوم- افزایش مالیات‌های مستقیم؛

گزینه چهارم- برداشت از حساب ذخیره ارزی.

حال به بررسی آثار این چهار گزینه بر روی متغیرهای عمده اقتصادی می‌پردازیم.

گزینه اول) تأمین مالی کسری بودجه ایجاد شده از طریق استقراض از بانک مرکزی

گزینه اول چنان طراحی شده است که هزینه‌های دولت از سال ۱۳۸۰ تا ۸۹ نسبت به حالت پایه، سالانه ۲۰ درصد افزایش داشته باشد، که این سناریو موجب می‌شود که کسری بودجه دولت نسبت به حالت پایه افزایش یابد. در این گزینه، فرض بر این است که کل کسری بودجه ایجاد شده از طریق استقراض از بانک مرکزی تأمین می‌شود؛ یعنی کسری بودجه دولت به عنوان جزئی از پایه پولی، موجب افزایش پایه پولی می‌شود.

چگونگی عکس‌العمل متغیرهای نقدینگی، صادرات، واردات و تراز تجاری نسبت به افزایش مخارج مصرفی دولت و تأمین کسری بودجه ایجاد شده از طریق استقراض از بانک مرکزی در جدول زیر نشان داده شده است. ساز و کار این تغییر در الگوی ما بدین صورت است که ابتدا با افزایش مخارج مصرفی دولت، کسری بودجه دولت افزایش می‌یابد، چون فرض بر این است که تمام کسری بودجه ایجاد شده از طریق استقراض از بانک مرکزی تأمین می‌شود، در نتیجه پایه پولی افزایش می‌یابد که در پی آن نقدینگی نیز افزایش می‌یابد و این امر موجب افزایش قیمت‌ها می‌شود، نرخ ارز حقیقی مؤثر صادراتی و وارداتی کاهش می‌یابد، و موجب افزایش واردات و کاهش صادرات و در نهایت، موجب بدتر شدن تراز تجاری نسبت به حالت مبنا می‌شود.

همچنین نرخ رشد اقتصادی تا سال ۱۳۸۷ نسبت به روند مبنا افزایش داشته و بعد از آن کاهش می‌یابد، و نرخ تورم نیز تقریباً در کلیه سالها بالاتر از روند مبنا می‌باشد، یعنی تأمین کسری بودجه از طریق استقراض از بانک مرکزی موجب افزایش تورم و نرخ رشد اقتصادی می‌شود. در نتیجه، افزایش کسری بودجه دولت و تأمین آن از طریق استقراض از بانک مرکزی موجب بدتر شدن تراز تجاری و تراز تجاری غیرنفتی می‌شود.

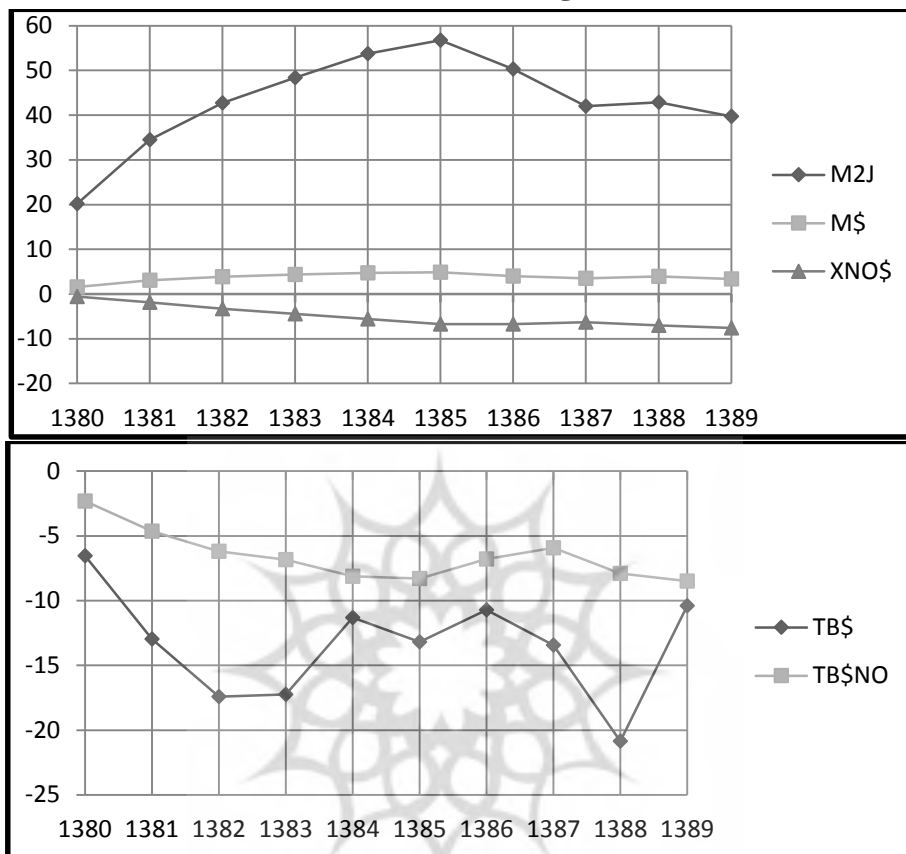
جدول ۳. درصد تغییر متغیرها نسبت به حالت مبنا بعد از اعمال گزینه اول

TB\$NO	TB\$	XNO\$	M\$	M2J	Obs
-۲.۳۲۴	-۶.۵۴۹	-۰.۵۸۹	۱.۵۹۲	۲۰.۲۰۱	۱۳۸۰
-۴.۶۳۵	-۱۲.۹۷۶	-۱.۸۴۳	۳.۰۸۱	۳۴.۴۸۷	۱۳۸۱
-۶.۲۰۱	-۱۷.۴۰۶	-۳.۲۹۱	۳.۸۹۵	۴۲.۷۰۱	۱۳۸۲
-۶.۸۴۷	-۱۷.۲۴۲	-۴.۴۰۴	۴.۳۸۲	۴۸.۳۶۷	۱۳۸۳
-۸.۱۱۵	-۱۱.۳۱۴	-۵.۵۵۷	۴.۶۹۴	۵۳.۷۳۸	۱۳۸۴
-۸.۲۹۵	-۱۳.۱۸۱	-۶.۷۴۴	۴.۸۳۱	۵۶.۷۶۳	۱۳۸۵
-۶.۷۹۰	-۱۰.۷۱۲	-۶.۷۵۷	۳.۹۸۰	۵۰.۲۹۰	۱۳۸۶
-۵.۹۲۳	-۱۳.۴۴۷	-۶.۲۹۶	۳.۵۰۷	۴۲.۰۱۲	۱۳۸۷
-۷.۹۱۰	-۲۰.۸۴۴	-۷.۰۲۸	۳.۹۰۷	۴۲.۸۵۳	۱۳۸۸
-۸.۴۸۵	-۱۰.۴۱۰	-۷.۵۸۶	۳.۳۴۴	۳۹.۷۵۱	۱۳۸۹

مأخذ: محاسبات تحقیق

درصد تغییر متغیرها نسبت به حالت مبنا بعد از اعمال گزینه اول در نمودارهای زیر برای یک دوره ۱۰ ساله ارائه شده است. این نمودارها تصویر نسبتاً واضحی از اثر افزایش مخارج مصرفی دولت به اندازه ۲۰ درصد از سال ۱۳۸۰ تا ۸۹ را نمایش می‌دهند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، در اثر اعمال این سیاست، کسری بودجه دولت افزایش یافته و تراز تجاری و تراز تجاری غیرنفتی بدتر شده است.

نمودار ۱. درصد تغییر نقدینگی (M2J)، واردات (M\$)، صادرات غیرنفتی (XNO\$)، تراز تجاری (TB\$) و تراز تجاری غیرنفتی (TB\$NO) نسبت به حالت مبنا بعد از اعمال گزینه اول



مأخذ: محاسبات تحقیق

گزینه دوم) تأمین مالی کسری بودجه ایجاد شده از طریق فروش اوراق مشارکت

گزینه دوم چنان طراحی شده است که هزینه‌های مصرفی دولت از سال ۱۳۸۰ تا ۸۹ نسبت به حالت پایه سالانه ۲۰ درصد افزایش داشته باشد، که این سناریو موجب می‌شود که کسری بودجه دولت نسبت به حالت پایه افزایش یابد. در این گزینه، فرض بر این است که کل کسری بودجه ایجاد شده از طریق فروش اوراق مشارکت به مردم تأمین می‌شود؛ یعنی کسری بودجه دولت موجب کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌شود. چون فرض بر این است که مردم برای خرید اوراق مشارکت،

سرمایه‌گذاری خود را کاهش می‌دهند که در نهایت، موجب کاهش تقاضای کل می‌شود. از طرف دیگر، خانوارها با خرید اوراق مشارکت دولت، به نوعی ثروت و دارایی خود را افزایش داده‌اند، که از این طریق موجب افزایش مصرف بخش خصوصی و افزایش تقاضای کل خواهد شد.

چگونگی عکس‌العمل متغیرهای مصرف بخش خصوصی، سرمایه‌گذاری، تقاضای کل، صادرات، واردات و تراز تجاری نسبت به افزایش مخارج مصرفی دولت و تأمین کسری بودجه ایجاد شده از طریق فروش اوراق مشارکت به مردم در جدول زیر نشان داده شده است. ساز و کار این تغییر در الگو بدین صورت است که ابتدا با افزایش مخارج مصرفی دولت، کسری بودجه دولت افزایش می‌یابد، و از طرفی، چون فرض بر این است که تمام کسری بودجه ایجاد شده از طریق فروش اوراق مشارکت به مردم تأمین می‌شود، مصرف خصوصی افزایش می‌یابد.

از طرف دیگر، چون سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد، در نتیجه تولید نیز کاهش می‌یابد و درآمد قابل تصرف خانوارها نیز کاهش می‌یابد که در نهایت، موجب کاهش مصرف خانوارها می‌شود. و در نتیجه افزایش ثروت خانوارها و کاهش درآمد قابل تصرف آنها، مصرف خصوصی نسبت به روند مبنا ابتدا کمی افزایش داشته و سپس کاهش می‌یابد. و با افزایش مصرف دولتی و کاهش سرمایه‌گذاری و همچنین کاهش مصرف خصوصی، انتظار بر این است که تقاضای کل کاهش یابد که در پی آن موجودی انبار کاهش می‌یابد (چون تولید کاهش یافته و تقاضای کل نیز کاهش یافته است، در نتیجه کاهش تولید بیشتر از کاهش تقاضای کل بوده که موجب کاهش موجودی انبار می‌شود)، و به این ترتیب، قیمت‌ها و نرخ ارز حقیقی تغییر محسوسی ندارند، همچنین نرخ استفاده از ظرفیت تولیدی افزایش، سرمایه‌گذاری کل کاهش و در نتیجه، تولید نیز کاهش می‌یابد، و در اثر آن، واردات و صادرات نیز کمی کاهش می‌یابند و در نهایت، موجب بهتر شدن تراز تجاری نسبت به حالت مبنا می‌شود (چون کاهش واردات بیش از کاهش صادرات بوده است).

یعنی افزایش کسری بودجه دولت و تأمین آن از طریق فروش اوراق مشارکت به مردم موجب بهتر شدن تراز تجاری و تراز تجاری غیرنفتی می‌شود. همچنین نرخ رشد اقتصادی نیز نسبت به روند مبنا کاهش می‌یابد و نرخ تورم نیز ابتدا افزایش و سپس کاهش می‌یابد.

جدول ۴. درصد تغییر متغیرها نسبت به حالت مبنا بعد از اعمال گزینه دوم

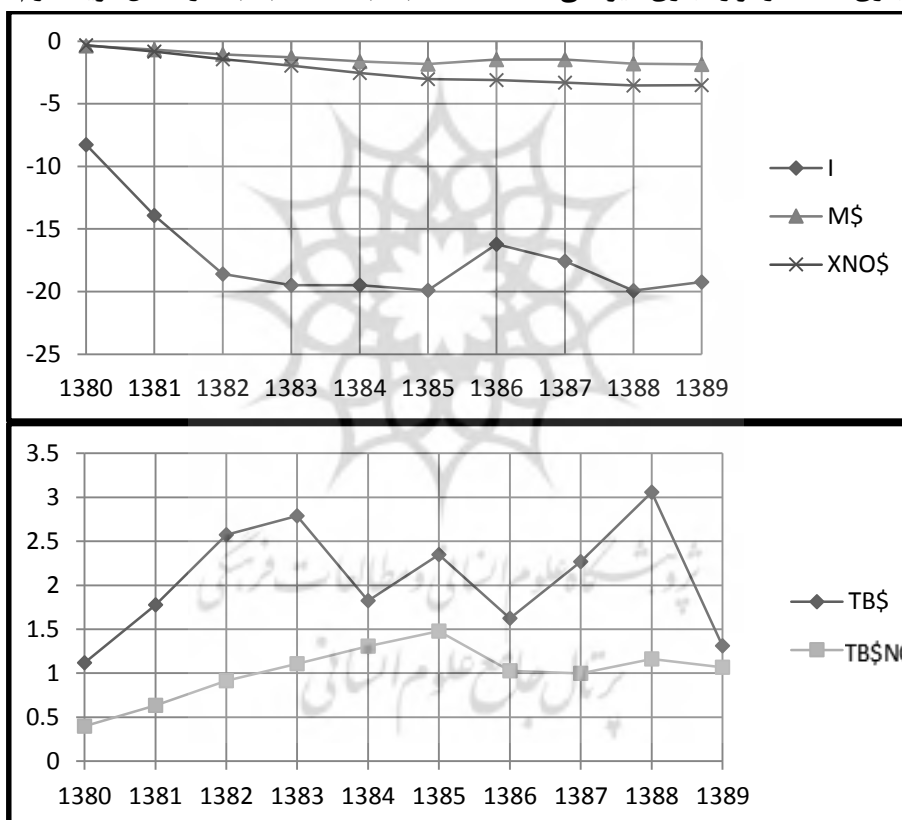
TB\$NO	TB\$	XNO\$	M\$	AD	I	CO	Obs
۰.۳۹۷	۱.۱۱۸	-۰.۳۱۶	-۰.۳۷۷	۰.۰۳۳	-۸.۲۷۲	۰.۶۵۳	۱۳۸۰
۰.۶۳۵	۱.۷۷۷	-۰.۸۲۴	-۰.۶۸۰	۰.۰۶۶	-۱۳.۹۲۰	۱.۱۷۲	۱۳۸۱
۰.۹۱۶	۲.۵۷۲	-۱.۴۳۶	-۱.۰۴۳	-۰.۳۴۷	-۱۸.۵۸۲	۰.۹۴۹	۱۳۸۲
۱.۱۰۸	۲.۷۸۹	-۱.۹۵۷	-۱.۲۹۴	-۰.۶۰۷	-۱۹.۴۸۸	۰.۳۹۹	۱۳۸۳
۱.۳۰۸	۱.۸۲۳	-۲.۵۳۰	-۱.۶۱۴	-۱.۲۴۴	-۱۹.۴۹۹	-۰.۲۱۲	۱۳۸۴

۱.۴۷۸	۲.۳۴۹	-۳.۰۲۲	-۱.۸۳۴	-۱.۹۷۹	-۱۹.۸۹۳	-۰.۸۸۷	۱۳۸۵
۱.۰۲۸	۱.۶۲۳	-۳.۰۹۱	-۱.۴۵۷	-۱.۷۳۳	-۱۶.۲۱۷	-۱.۴۹۳	۱۳۸۶
-۰.۹۹۹	۲.۲۶۹	-۳.۳۱۵	-۱.۴۵۷	-۲.۱۴۱	-۱۷.۵۶۷	-۱.۷۴۹	۱۳۸۷
۱.۱۶۰	۳.۰۵۶	-۳.۵۲۹	-۱.۷۹۵	-۳.۰۷۲	-۱۹.۹۳۱	-۲.۳۹۷	۱۳۸۸
۱.۰۶۸	۱.۳۱۰	-۳.۵۰۸	-۱.۸۴۸	-۳.۴۳۰	-۱۹.۲۴۳	-۳.۱۰۵	۱۳۸۹

مأخذ: محاسبات تحقیق

درصد تغییر متغیرها نسبت به حالت مبنا بعد از اعمال گزینه دوم در نمودارهای زیر برای یک دوره ۱۰ ساله ارائه شده است.

نمودار ۲. درصد تغییر سرمایه‌گذاری (I)، واردات (M\$)، صادرات غیرنفتی (XNO\$)، تراز تجاری (TB\$) و تراز تجاری غیرنفتی (TB\$NO) نسبت به حالت مبنا بعد از اعمال گزینه دوم



مأخذ: محاسبات تحقیق

گزینه سوم) تأمین مالی کسری بودجه ایجاد شده از طریق افزایش مالیات‌های مستقیم گزینه سوم چنان طراحی شده است که هزینه‌های مصرفی دولت از سال ۱۳۸۰ تا ۸۹ نسبت به حالت پایه سالانه ۲۰ درصد افزایش داشته باشد، این سناریو موجب می‌شود که کسری بودجه دولت نسبت به حالت پایه افزایش یابد. در این گزینه، فرض بر این است که افزایش مخارج دولت از سال ۱۳۸۰ تا ۸۹ از طریق افزایش مالیات‌های مستقیم تأمین شود.

چگونگی عکس‌العمل متغیرهای مالیات‌های مستقیم، مصرف خصوصی، تقاضای کل، صادرات، واردات و تراز تجاری نسبت به افزایش مخارج مصرفی دولت و تأمین کسری بودجه ایجاد شده از طریق افزایش مالیات‌های مستقیم در جدول زیر نشان داده شده است. ساز و کار این تغییر در الگوی ما بدین صورت است که ابتدا با افزایش مخارج مصرفی دولت، کسری بودجه دولت افزایش می‌یابد، چون فرض بر این است که تمام افزایش مخارج مصرفی دولت از طریق افزایش مالیات‌های مستقیم تأمین می‌شود و در نتیجه، مالیات‌های مستقیم افزایش و مصرف خصوصی کاهش می‌یابد، انتظار بر این است که تقاضای کل افزایش یابد (چون افزایش مخارج دولت بیش از کاهش مصرف خصوصی می‌باشد) که در پی آن، موجودی انبار کاهش می‌یابد و این امر، موجب افزایش قیمت‌ها و کاهش نرخ ارز حقیقی مؤثر صادراتی و وارداتی می‌شود.

همچنین نرخ استفاده از ظرفیت تولیدی افزایش و تولید نیز افزایش می‌یابد، در نتیجه واردات به مقدار کمی افزایش و صادرات نیز به مقدار خیلی کمی - به دلیل افزایش تولید- افزایش می‌یابد و در نهایت، موجب بدتر شدن تراز تجاری نسبت به حالت مبنا می‌شود؛ چون افزایش واردات بیش از افزایش صادرات بوده است. همچنین نرخ رشد اقتصادی و نرخ تورم نیز به میزان خیلی کمی افزایش می‌یابند.

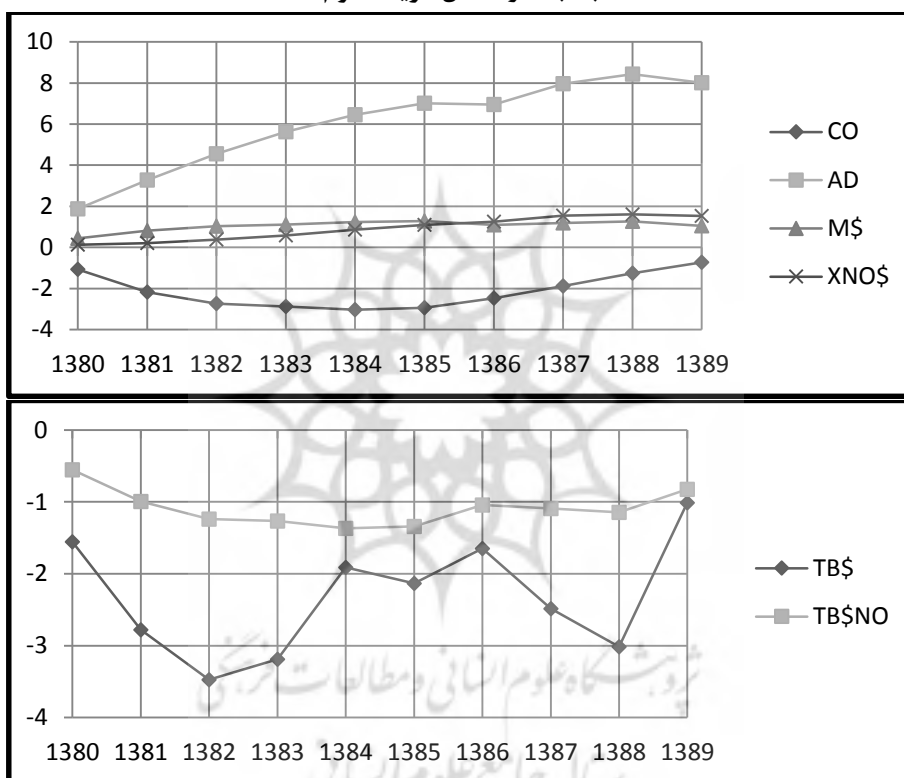
جدول ۵. درصد تغییر متغیرها نسبت به حالت مبنا بعد از اعمال گزینه سوم

TB\$NO	TB\$	XNO\$	M\$	AD	CO	TDJ	Obs
-۰.۵۵۱	-۱.۵۵۳	۰.۱۳۱	۰.۴۴۶	۱.۸۷۴	-۱.۰۶۵	۷۱.۲۱۱	۱۳۸۰
-۰.۹۹۲	-۲.۷۷۷	۰.۲۱۱	۰.۸۰۵	۳.۲۷۱	-۲.۱۷۵	۱۰۲.۳۰۸	۱۳۸۱
-۱.۲۳۷	-۳.۴۷۲	۰.۳۶۹	۱.۰۲۶	۴.۵۴۹	-۲.۷۴۶	۱۱۲.۷۵۷	۱۳۸۲
-۱.۲۶۵	-۳.۱۸۶	۰.۵۸۲	۱.۱۱۶	۵.۶۲۹	-۲.۸۸۵	۱۱۵.۶۶۹	۱۳۸۳
-۱.۳۶۹	-۱.۹۱۰	۰.۸۵۲	۱.۲۴۰	۶.۴۴۹	-۳.۰۳۶	۱۰۲.۷۵۲	۱۳۸۴
-۱.۳۴۱	-۲.۱۳۲	۱.۰۸۷	۱.۲۸۳	۷.۰۰۶	-۲.۹۴۰	۹۲.۵۳۳	۱۳۸۵
-۱.۰۴۳	-۱.۶۴۶	۱.۲۴۸	۱.۰۸۶	۶.۹۴۸	-۲.۴۷۹	۷۷.۶۳۲	۱۳۸۶
-۱.۰۹۳	-۲.۴۸۳	۱.۵۵۲	۱.۱۸۴	۷.۹۶۳	-۱.۸۷۸	۷۳.۰۶۰	۱۳۸۷
-۱.۱۴۳	-۳.۰۱۳	۱.۶۰۶	۱.۲۶۷	۸.۴۲۹	-۱.۲۵۴	۷۰.۸۹۵	۱۳۸۸
-۰.۸۲۳	-۱.۰۱۰	۱.۵۳۰	۱.۰۴۹	۸.۰۱۱	-۰.۷۲۵	۷۴.۷۸۸	۱۳۸۹

مأخذ: محاسبات تحقیق

درصد تغییر متغیرها نسبت به حالت مبنا بعد از اعمال گزینه سوم در نمودارهای زیر برای یک دوره ۱۰ ساله (از سال ۱۳۸۰ تا ۸۹) نشان داده شده است که اثر این سیاست بر روی این متغیرها می‌باشد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، در اثر اعمال این سیاست تراز تجاری و تراز تجاری غیرنفتی وضعیت بدتری پیدا می‌کنند.

نمودار ۳. درصد تغییر مصرف خصوصی (CO)، تقاضای کل (AD)، واردات (M\$)، صادرات غیرنفتی (XNO\$)، تراز تجاری (TB\$) و تراز تجاری غیرنفتی (TB\$NO) نسبت به حالت مبنا بعد از اعمال گزینه سوم



مأخذ: محاسبات تحقیق

گزینه چهارم) تأمین مالی کسری بودجه ایجاد شده از طریق برداشت از حساب ذخیره ارزی گزینه چهارم چنان طراحی شده است که هزینه‌های مصرفی دولت از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ نسبت به حالت پایه سالانه ۲۰ درصد افزایش داشته باشد، که این سناریو موجب می‌شود که کسری بودجه دولت نسبت به حالت پایه افزایش یابد. در این گزینه، فرض بر این است که کل کسری بودجه ایجاد شده، از طریق برداشت از حساب ذخیره ارزی تأمین می‌شود. به همان میزان که کسری بودجه دولت نسبت به حالت پایه افزایش می‌یابد، دولت از حساب ذخیره ارزی برداشت می‌کند، که در این الگو، این گزینه بدین صورت نشان داده شده است که با افزایش کسری بودجه، درآمدهای ریالی و دلاری حاصل از فروش نفت به میزان تغییر کسری بودجه، افزایش می‌یابد و از این طریق بر متغیرهای دیگر اثر می‌گذارد.

چگونگی عکس‌العمل متغیرهای درآمدها و هزینه‌های دولت، تقاضای کل، صادرات، واردات و تراز تجاری نسبت به افزایش مخارج مصرفی دولت و تأمین کسری بودجه ایجاد شده از طریق برداشت از حساب ذخیره ارزی در جدول زیر نشان داده شده است.

ساز و کار این تغییر در الگو بدین صورت است که ابتدا با افزایش مخارج مصرفی دولت، کسری بودجه دولت افزایش می‌یابد، چون فرض بر این است که تمام کسری بودجه ایجاد شده از طریق برداشت از حساب ذخیره ارزی تأمین می‌شود و در نتیجه، درآمد ریالی و دلاری حاصل از فروش نفت افزایش می‌یابد. افزایش درآمد دولت موجب افزایش هزینه‌های مصرفی و سرمایه‌گذاری دولت می‌شود و تقاضای کل افزایش، موجودی انبار کاهش و نرخ استفاده از ظرفیت تولیدی افزایش می‌یابد، و با افزایش نرخ استفاده از ظرفیت تولیدی، تولید افزایش می‌یابد.

همچنین چون موجودی انبار کاهش پیدا کرده است، در نتیجه سطح قیمت‌ها نیز افزایش و نرخ ارز حقیقی کاهش می‌یابد که موجب افزایش واردات و کاهش صادرات غیرنفتی می‌شود. از طرفی با افزایش درآمد دلاری حاصل از فروش نفت، صادرات کل افزایش می‌یابد که موجب افزایش واردات نیز می‌شود، چون افزایش صادرات بیش از افزایش واردات است و در نتیجه، تراز تجاری نسبت به حالت مبنا بهتر می‌شود.

همچنین نرخ رشد اقتصادی که تا سال ۱۳۸۵ نسبت به روند مبنا افزایش یافته بود، از سال ۱۳۸۶ به بعد کاهش می‌یابد که بدین دلیل است که این اضافه برداشت از حساب ذخیره ارزی، اثرات منفی بر اقتصاد خواهد داشت. نرخ تورم نیز نسبت به روند مبنا افزایش یافته است. در نهایت، به دلیل افزایش واردات و تغییر جزئی صادرات غیرنفتی، تراز تجاری غیرنفتی بدتر می‌شود.

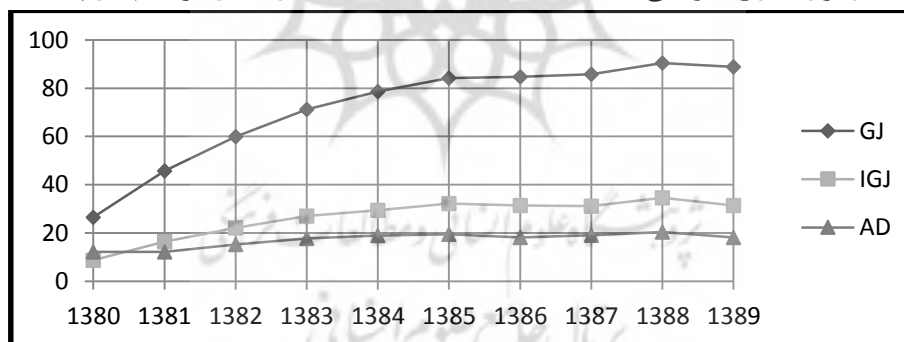
جدول ۶. درصد تغییر متغیرها نسبت به حالت مبنا بعد از اعمال گزینه چهارم

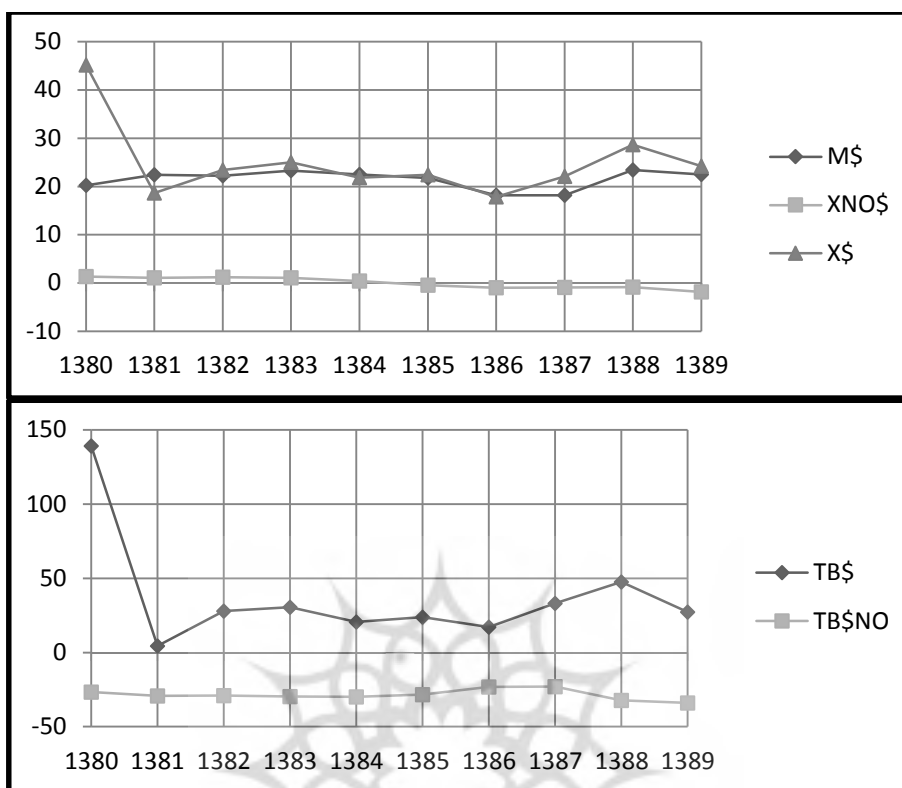
TB\$NO	TB\$	X\$	XNO\$	M\$	AD	IGJ	GJ	GRJ	obs
-۲۶.۵۵۳	۱۳۹.۳۱۰	۴۵.۲۰۹	۱.۳۰۳	۲۰.۲۰۷	۱۲.۲۲۱	۸.۶۸۶	۲۶.۵۰۹	۱۸.۱۵۵	۱۳۸۰
-۲۹.۱۸۳	۴.۵۴۰	۱۸.۶۱۲	۱.۰۳۷	۲۲.۴۳۳	۱۲.۲۱۳	۱۶.۳۸۲	۴۵.۷۶۸	۲۸.۴۱۳	۱۳۸۱
-۲۸.۹۳۸	۲۷.۸۴۴	۲۳.۳۹۷	۱.۱۷۸	۲۲.۱۹۷	۱۵.۲۵۸	۲۲.۰۸۳	۵۹.۹۰۰	۳۵.۱۲۱	۱۳۸۲
-۲۹.۵۴۸	۳۰.۴۲۶	۲۴.۹۹۰	۱.۰۶۱	۲۳.۳۰۵	۱۷.۷۶۹	۲۷.۰۶۸	۷۱.۱۳۱	۴۱.۶۳۴	۱۳۸۳
-۲۹.۸۴۳	۲۰.۵۸۲	۲۱.۸۱۸	۰.۴۲۵	۲۲.۴۸۲	۱۸.۸۸۲	۲۹.۴۳۴	۷۸.۵۹۴	۴۱.۷۴۰	۱۳۸۴
-۲۸.۴۱۹	۲۳.۷۸۹	۲۲.۴۲۸	-۰.۴۵۶	۲۱.۷۶۸	۱۹.۴۳۲	۳۲.۲۰۷	۸۴.۱۹۰	۴۶.۲۰۹	۱۳۸۵
-۲۳.۱۵۴	۱۷.۲۲۵	۱۷.۸۴۰	-۰.۹۷۳	۱۸.۱۴۹	۱۸.۱۹۰	۳۱.۳۵۸	۸۴.۷۳۸	۴۲.۹۹۷	۱۳۸۶
-۲۲.۸۸۵	۳۳.۱۸۸	۲۲.۰۹۵	-۰.۹۲۸	۱۸.۱۷۵	۱۹.۱۱۹	۳۱.۱۷۴	۸۵.۷۳۱	۴۴.۴۵۲	۱۳۸۷
-۳۲.۲۸۶	۴۷.۴۹۶	۲۸.۶۳۹	-۰.۸۶۹	۲۳.۴۰۱	۲۰.۴۴۸	۳۴.۶۰۹	۹۰.۴۳۰	۵۲.۷۲۷	۱۳۸۸
-۳۳.۹۸۴	۲۷.۲۶۸	۲۴.۲۰۸	-۱.۸۷۹	۲۲.۵۱۲	۱۸.۱۴۲	۳۱.۳۴۸	۸۸.۷۷۴	۴۱.۰۵۱	۱۳۸۹

مأخذ: محاسبات تحقیق

درصد تغییر متغیرها نسبت به حالت مبنا بعد از اعمال گزینه چهارم در نمودارهای زیر برای یک دوره ۱۰ ساله ارائه شده است.

نمودار ۴. درصد تغییر هزینه‌های مصرفی دولت (GJ)، سرمایه‌گذاری دولت (IGJ)، تقاضای کل (AD)، واردات (M\$)، صادرات غیرنفتی (XNO\$)، صادرات کل (X\$)، تراز تجاری (TB\$) و تراز تجاری غیرنفتی (TB\$NO) نسبت به حالت مبنا بعد از اعمال گزینه چهارم





مأخذ: محاسبات تحقیق

نتیجه گیری

همان گونه که ملاحظه شد، در اثر اعمال یک سیاست مالی انبساطی (افزایش سالانه ۲۰ درصد مخارج مصرفی دولت از سال ۱۳۸۰)، در تمام گزینه‌ها کسری بودجه دولت افزایش می‌یابد که اگر این کسری بودجه از طریق استقراض از بانک مرکزی تأمین مالی شود (گزینه اول)، موجب افزایش پایه پولی و در نهایت، موجب بدتر شدن تراز تجاری و تراز تجاری غیرنفتی نسبت به حالت مبنا می‌شود.

حال اگر کسری بودجه ایجاد شده از طریق فروش اوراق مشارکت به مردم، تأمین مالی شود (گزینه دوم)، موجب کاهش تقاضای کل و در نهایت، موجب بهتر شدن تراز تجاری و تراز تجاری غیرنفتی نسبت به حالت مبنا می‌شود.

اگر به همان میزان که هزینه‌ها افزایش یافته است، مالیات‌های مستقیم نیز افزایش یابد (گزینه سوم)، مصرف خصوصی کاهش و در نهایت، موجب بدتر شدن تراز تجاری و تراز تجاری غیرنفتی

نسبت به روند مبنا می‌شود. و در نهایت، اینکه اگر کسری بودجه ایجاد شده از طریق برداشت از حساب ذخیره ارزی تأمین شود (گزینه چهارم)، درآمدهای ریالی و دلاری حاصل از فروش نفت افزایش می‌یابد و در نتیجه، موجب بهبود تراز تجاری و بدتر شدن تراز تجاری غیرنفتی نسبت به روند مبنا می‌شود.

تراز تجاری غیرنفتی به طور متوسط در گزینه اول، سوم و چهارم، کاهش و در گزینه دوم، افزایش می‌یابد که در گزینه چهارم، شاهد کاهش شدیدتر تراز تجاری غیرنفتی هستیم.

نتیجه‌گیری کلی اینکه میزان و جهت اثرگذاری کسری بودجه بر تراز تجاری در اقتصاد ایران بستگی به نوع تأمین مالی کسری بودجه دارد. اگر کسری بودجه ایجاد شده در اثر افزایش مخارج مصرفی دولت، از طریق استقراض از بانک مرکزی یا افزایش مالیات‌های مستقیم و یا برداشت از حساب ذخیره ارزی تأمین شود، موجب بدتر شدن تراز تجاری غیرنفتی می‌شود، که تأمین مالی از طریق استقراض از بانک مرکزی و برداشت از حساب ذخیره ارزی، اثرات منفی بیشتری بر اقتصاد کشور و از جمله تراز تجاری غیرنفتی دارد. و اگر کسری بودجه ایجاد شده در اثر افزایش مخارج مصرفی دولت، از طریق فروش اوراق مشارکت به مردم تأمین شود، موجب بهتر شدن تراز تجاری می‌شود.

در نتیجه، به دولت توصیه می‌شود که از تأمین مالی کسری بودجه از طریق استقراض از بانک مرکزی و برداشت از حساب ذخیره ارزی خودداری کند و کسری بودجه خود را از طریق استقراض از مردم تأمین کند تا از اثرات منفی آن بر اقتصاد کشور جلوگیری کند.

منابع و مأخذ

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ترازنامه و گزارشات اقتصادی سالهای مختلف.
- برانسون، ویلیام (۱۳۸۶) تئوری و سیاستهای اقتصاد کلان؛ ترجمه عباس شاکری؛ نشر نی، چاپ دهم.
- درگاهی، حسن (۱۳۸۴) الگوی اقتصادسنجی کلان-صنعت ایران و آینده نگری اقتصادی (استراتژی توسعه صنعتی کشور، جلد ششم)؛ موسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف، چاپ اول.
- سالنامه آماری ایران، مرکز آمار ایران (سالهای مختلف).
- صفدری، مهدی و فرشید پورشهبابی (۱۳۸۸) اثر کسری بودجه دولت بر کسری تجاری در اقتصاد ایران با استفاده از روش ARDL، طی سالهای ۸۶-۱۳۴۵؛ ماهنامه بررسی مسائل و سیاست های اقتصادی، شماره های ۹۳ و ۹۴: ۳۵-۵۰.
- فرح بخش، ندا و اسد... فرزین وش (۱۳۸۸) اثر کسری بودجه بر کسری حساب جاری و رشد اقتصادی؛ مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۸۸: ۱۹۲-۱۷۱.
- مومنی وصالیان، هوشنگ (۱۳۷۴) تحلیل رابطه کسری بودجه و حساب جاری در ایران؛ مجله برنامه و بودجه، شماره ۴۲: ۲۷-۵۶.
- مهرآرا، محسن و مهدی مرادی (۱۳۸۷) بررسی تأثیرات کسری بودجه، نرخ ارز حقیقی و رابطه مبادله بر کسری حساب جاری کشورهای صادر کننده نفت عضو OPEC؛ فصلنامه پژوهش نامه بازرگانی، شماره ۴۷: ۱۴۱-۶۷.
- نوفروستی، محمد (۱۳۷۸) ریشه واحد و همجمعی در اقتصادسنجی؛ انتشارات رسا، چاپ اول.
- نوفروستی، محمد (۱۳۷۹) تحلیل آثار سیاستهای پولی و ارزی به روش همجمعی در چهارچوب یک الگوی اقتصادسنجی کلان پویا؛ پایان نامه دوره دکتری، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.
- Barro, Robert J. (1989) The Ricardian Approach to Budget Deficit; Journal of Political Economy, Vol. 84, pp. 343-49.
- Bernheim, B. Douglas (1990) A Neoclassical Perspective on Budget Deficits; Journal of Economic Perspectives, Vol. 3, No. 2, Spring 1989: 55-72.
- Craigwell, Roland C. and Samaroo, S. (1999) Dynamic Modeling of the Current Accounts: Evidence from the Caribbean; International Economic Journal, 11, 4, pp. 39-50.
- Chaudhary M. A. and Shabbir Gh.(2005) Macroeconomic Impacts of Budget Deficit on Pakistan's Foreign Sector; Pakistan Economic and Social Review, Vol. XLIII, No. 2, pp. 185-198.
- Egwaikhide, F. O. (1990) Effects of Budget Deficit on Trade Balance in Nigeria: A Simulation Exercise; African Development Review, 11, No. 2: 265-89.

Hashemzadeh, Nozar and Loretta Wilson (2006) The Dynamics of Current Account and Budget in Selected Countries if the Middle East and North Africa; International Research of Finance and Economics, ISSN 1450-2887.

